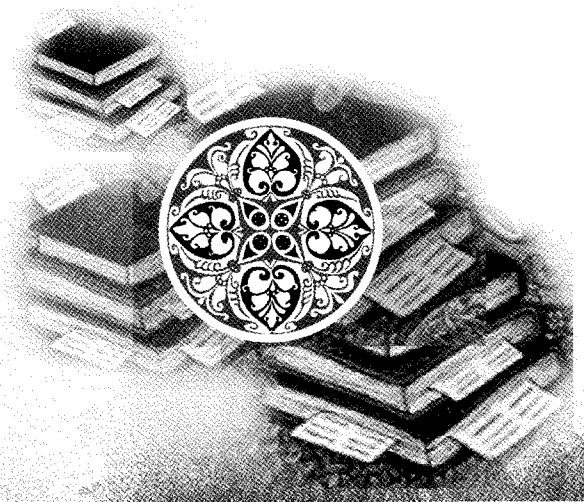


# نام‌های ارکان کعبه

## در کتب تاریخ مکه

(۳)



سید جواد مظلومی

در بخش نخست این نوشتار، نام‌های گوناگونی را، که ارکان کعبه بدانها خوانده شده‌اند، بر شمردیم و اختلاف اهل نظریه را در هر زمینه یادآور شدیم و مهم‌ترین اختلاف را در تعیین مصادیق دو رکن عراقی و شامی یافتیم. برخی رکن اسود را عراقی و رکن بعدی را شامی خوانده‌اند و گروهی رکن بعد از رکن اسود را عراقی و گوشه سوم کعبه را شامی می‌شمارند. در بخش نخست آوردیم که بیشتر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و اتفاق فقهای شیعی، بر دیدگاه اول منطبق است و در بخش پیشین، موافقت تاریخ نگاران کهن مکه را با دیدگاه اول تبیین نمودیم. اکنون در ادامه، به کتابی دیگر می‌پردازیم:

### شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام

این کتاب نگاشته ابو الطیب تقی الدین محمد بن احمد فاسی مکی مالکی است که در سال‌های ۸۳۲ - ۷۷۵ ه.ق. می‌زیسته و پس از ازرقی و فاکهی، باید از او به عنوان تاریخ‌نگار مکه مکرمه نام برد. در این چهار قرن فترت، تنها نام چند اثر در باره مکه برجای مانده که حتی

فاسی نیز موفق به یافتن برخی از آن‌ها نشده است.<sup>۱</sup> اما فاسی که از غفلت نویسندگان پیشین در ثبت تاریخ مکه زبان به گله می‌گشاید، خود با اهمیتی تمام به این مهم می‌پردازد و دورشته از تألیفات را از خود برجای می‌گذارد:

نخست، ثبت فضایل و وقایع مکه بوده که در این روش باید او را پیرو شیوه‌ی ازرقی شمرد که خود نیز در مواردی فراوان به بهره‌گیری از کتاب او تصریح می‌کند. دوم، ضبط سرگذشت شخصیت‌های مکه، که او به کارگیری این شیوه در باره‌ی مکه را از ابتکارات خود به شمار می‌آورد.

در بخش نخست، او ابتدا «شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام» را به نگارش در می‌آورد و سپس با نام «تحفة الکرام بأخبار البلد الحرام» به تلخیص آن می‌پردازد. خلاصه‌ی کتاب تحفه را با نام «تحصیل المرام من تاریخ البلد الحرام» تألیف می‌کند و آن را نیز با نام «هادی ذوی الأفهام الی تاریخ البلد الحرام» چکیده نویسی می‌کند و در آخرین مرحله، برگزیده‌ی آن را با نام «الزهور المقتطفه من تاریخ مکه المشرفه» به رشته‌ی تحریر در می‌آورد.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، در شیوه‌ی دوم نیز کتاب «العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین» را می‌نویسد و زندگی‌نامه‌ی بیش از ۳۵۰۰ تن از مردان و زنان نام‌آور مکه را در آن ثبت می‌کند. سپس کتاب را با نام «عجالة القرى للراغب فی تاریخ امّ القرى» تلخیص می‌کند.<sup>۳</sup> اما چون این مجموعه، سرگذشت‌نامه‌ی شخصیت‌های مکه است، متن الزهور المقتطفه را به عنوان مقدمه به کتاب العقد الثمین می‌افزاید:

«و جميع ذلك ملخص من تألیفی شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام و جعلته أربعین باباً كأصله و سمّيته الزهور المقتطفة من تاریخ مکه المشرفة».<sup>۴</sup>

فاسی در کنار نقل اقوال گذشتگان، خود به ثبت گزارش معاصران همت می‌گمارد و نه تنها با دقتی کامل مشاهدات خویش را بر قلم جاری می‌سازد که حتی گاه به بازآفرینی اندازه‌گیری‌های پیشینیان می‌پردازد.

«و قد حررنا بعض ما حرره الأزرقی فی هذا المعنى».<sup>۵</sup>

او حتی می‌کوشد وجه الجمع اختلافات آن‌ها را نیز به دست آورده، تاریخ خود را به



جمع کتب تحلیلی ملحق سازد؛ چنان‌که در توضیح دلیل اختلاف ابعاد کعبه، ابتدا فرضیه استفاده از دو واحد با نام یکسان و اندازه‌های متفاوت همچون ذراع ید و ذراع حدید را مطرح می‌سازد و هنگامی که در عمل ابعاد مذکور را با هر دو واحد اندازه‌گیری می‌کند و یافته‌های خویش را با گزارش گذشتگان منطبق می‌بیند، فرضیه خود را اثبات شده می‌داند.

در بحث نام‌های ارکان کعبه نیز او به مناسبت‌های متفاوت، از رکن‌ها نام می‌برد که بیشتر با قرینه‌هایی تعیین‌کننده همراه است. مجموع نقل قول پیشینیان در باره نام‌های ارکان و دیدگاه او را در مباحث ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان به قضاوت می‌نشینیم.

### ۱- جایگاه پلکان داخل کعبه

فاسی نیز در بیان بنای ابن زبیر، همچون کتاب‌های پیشین، جای پلکان داخل کعبه را، که در کنج دوم خانه قرار دارد، شامی می‌خواند:

«جعل لها درجة في ركنها الشامي يصعد منها إلى سطحها»<sup>۶</sup>.

او حتی در گزارش از روزگار خود نیز رکن پلکان را شامی می‌داند و جنس آن را از چوب معرفی می‌کند.

«و في ركنها الشامي درجة من خشب يصعد منها إلى سطحها»<sup>۷</sup>.

### ۲- مقام پیشوایان چهارگانه اهل سنت

از آنجا که هر یک از چهار مذهب اهل سنت، در دوران‌هایی از تاریخ، امام جماعت مستقلی در مسجد الحرام داشته‌اند؛ برای هر یک محراب و مقامی ساخته بودند که محل اقامه نماز ایشان باشد. ابن جبیر ضمن شرح وقایع سال ۵۷۹ ه.ق. در توصیف مسجد الحرام، گزارش مبسوطی از این مقام‌ها و ترتیب و آداب اقامه جماعت ارائه می‌کند و با تعبیری ناشایست از پنجمین امام، که امام جماعت زیدیه است، یاد می‌نماید.<sup>۸</sup>

فاسی نیز در کتاب خود، از این چهار مقام یاد نموده، جایگاه آن‌ها را به این شرح بیان می‌کند:

- مقام شافعی، پشت مقام ابراهیم علیه السلام
- مقام حنفی، میان رکن شامی و غربی
- مقام مالکی، میان رکن غربی و یمانی
- مقام حنبلی، امتداد حجر الأسود

«فإنَّ مقام الشافعی خلف مقام ابراهیم الخلیل علیه السلام، و الحنفی بین الرکنین الشامی و الغربی، و المالکی بین الرکن الغربی و الیمانی، و الحنبلی تجاه الحجر الأسود».<sup>۹</sup>

در نقل ابن جبیر تفاوت ناچیزی وجود دارد:

«فأوّل الأئمة السنیة الشافعی... و صلاته خلف مقام ابراهیم... ثمّ المالکی... و هو یصلی قبالة الرکن الیمانی... ثمّ الحنفی... و صلاته قبالة المیزاب... ثمّ الحنبلی... موضع صلاته یقابل ما بین الحجر الأسود و الرکن الیمانی».<sup>۱۰</sup>

در بیان هر دو، روشن است که مقام حنفی در مقابل حجر اسماعیل قرار دارد. خود فاسی نیز در جایی دیگر به این نکته تصریح می‌کند:

«و أمّا مقام الحنفی: فإنّ من جدار محرابه إلى وسط جدار الحجر اثنین و ثلاثین ذراعاً إلاّ سدس ذراع».<sup>۱۱</sup>

اما از سوی دیگر فاسی مقام حنفی را میان رکن شامی و غربی می‌داند. بنابراین، باید او رکن دوم طواف را شامی و رکن سوم را غربی بخواند.

### ۳- آرامگاه دختران اسماعیل علیه السلام

ازرقی از ابن زبیر نقل می‌کند که گفت: برآمدگی کنار رکن شامی که بعدها مسطح شده، مزار دختران اسماعیل علیه السلام است:

«عن الزهري أنه سمع ابن الزبير... على المنبر يقول: انّ هذا المحدود قبور عذاری بنات اسماعیل علیه السلام، - یعنی ممّا يلي الرکن الشامی من المسجد الحرام - قال: و ذلك الموضع يسوي مع المسجد. فلا ينشأ أن يعود محدوداً منذ كان».<sup>۱۲</sup>

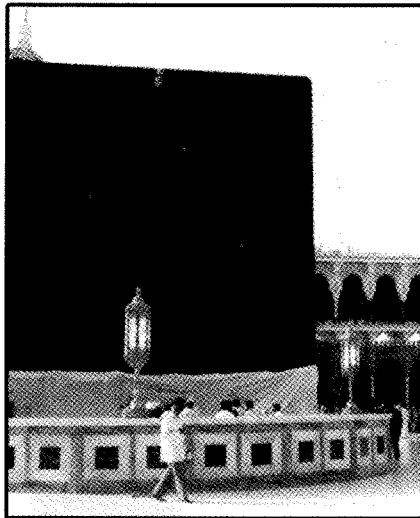


فاسی در شمارش فضایل حطیم، پس از نقل کلام ازرقی، مدعی می‌شود که بر این اساس، احتمال دارد مزارها در حطیم واقع شده باشند:

«و ذکر الأزرقی خبراً یوهم أنّ فی الحطیم قبور عذاری بنات إسماعیل علیهم‌السلام».<sup>۱۳</sup>

زیرا حطیم را فاسی بر فضای مابین حجر الأسود، مقام ابراهیم علیهم‌السلام، زمزم و حجر اسماعیل علیهم‌السلام تطبیق نموده است.<sup>۱۴</sup> در سخن ازرقی، که آن برآمدگی را در مجاورت رکن شامی برشمرده، دو احتمال وجود دارد: نخست آن که مزارها در سمت حجر اسماعیل علیهم‌السلام واقع شده باشند و یا در جهت حجر الأسود. از سوی دیگر، مقصود از رکن شامی نیز می‌تواند موضع بنای زمان حضرت ابراهیم علیهم‌السلام و بنای ابن زبیر باشد و یا جایگاه رکن، در بنای قریش و وضعیت فعلی اراده شده باشد. از چهار حالت به وجود آمده، تنها در صورتی که مزارها در سمت حجر اسماعیل علیهم‌السلام موضع اولیه رکن قرار داشته باشند، از حطیم خارج خواهد بود.

«وإنما كان هذا الخبر موهماً لما ذكرناه؛ لأنه يحتمل أن تكون القبور المشار إليها ممّا يلي الركن الشامي من جهة الحجر الأسود، و أن تكون ممّا يلي الركن الشامي ممّا يلي الحجر - بسكون الجيم - فعلى الاحتمال الأول، تكون القبور المشار إليها في الحطيم، و على الثاني لا تكون فيه، و ذلك على اعتبار بناء الكعبة على أساس إبراهيم علیهم‌السلام من جهة الحجر، و أما على اعتبار بنائها اليوم فقد تكون القبور المشار إليها في الحطيم على كلا الاحتمالين، والله أعلم».<sup>۱۵</sup>



نکته مهم آن است که تعبیر رکن شامی در کلام ازرقی را فاسی بر رکن دوم طواف تطبیق نموده است. بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، مزار دختران اسماعیل علیهم السلام در حجر قرار دارد: امام صادق علیه السلام می فرماید:

«در حجر، نزدیک رکن سوم، دختران دوشیزه حضرت اسماعیل علیه السلام دفن شده اند.»<sup>۱۶</sup>

#### ۴- قبله سرزمین های دیگر

فاسی در بیان جهت قبله کشورها، نخست کلام پدر ابن جماعه را نقل می کند<sup>۱۷</sup> که در بخش پیشین این نوشتار، در ذیل کتاب هدایة السالک بررسی گردید و تصریح مؤلف بر شامی خواندن رکن دوم تبیین شد.

سپس از آنجا که تفاوت فراوانی میان دیدگاه پدر ابن جماعه و محمد بن سراقه عامری وجود دارد، همین بخش از کتاب او را به تفصیل نقل می کند:

«اعلم أنّ أهل القادسیّة و... و ما كان من البلاد علی سمت ذلك یستقبلون الكعبة من مصلى آدم عليه السلام إلى بابها... و اعلم أنّ أهل البصرة و... و بست إلى بلاد الصين و ما كان من البلاد علی سمت ذلك یستقبلون في صلاتهم من باب الكعبة إلى الركن العراقي... و اعلم أنّ أهل السند و... و ما كان علی سمت ذلك من البلاد، فهم یستقبلون في صلاتهم من الركن العراقي إلى مصلى النبی صلى الله عليه وآله... و اعلم أنّ أهل اليمن و... و ما كان علی سمت ذلك من البلاد، یستقبلون في صلاتهم من موضع مصلى النبی صلى الله عليه وآله إلى الركن الیمانی... و اعلم أنّ أهل بلاد الحبشة و... و ما كان من البلاد علی سمت ذلك، یستقبلون في صلاتهم من الركن إلى الباب المسدود... و أنّ أهل بلاد النوبة و... و ما كان من البلاد علی سمت ذلك، یستقبلون في صلاتهم من الباب المسدود إلى دون الركن الغربي بسبعة أذرع... و اعلم أنّ أهل الأندلس و... و ما كان من البلاد علی سمت ذلك، یستقبلون في صلاتهم من دون الركن الغربي بسبعة أذرع إلى الركن الغربي... و اعلم أنّ أهل الاسكندریّة و... و ما كان من البلاد علی سمت ذلك، یستقبلون في صلاتهم من الركن الغربي إلى میزاب الكعبة... و اعلم أنّ أهل مدينة رسول الله صلى الله عليه وآله و... و ما كان علی سمت ذلك من



البلاد، يستقبلون في صلاتهم ميزاب الكعبة... و اعلم أنّ الشمال كلّها خلا الرملة و بيت المقدس و ما كان من البلاد على سمت ذلك، يستقبلون في صلاتهم من ميزاب الكعبة إلى الركن الشامي... و اعلم أنّ أهل ملطيه و... و ما كان من البلاد على سمت ذلك، يستقبلون في صلاتهم من الركن الشامي إلى مصلى آدم ﷺ...»<sup>۱۸</sup>

خداوند جبرئیل را نزد آدم ﷺ و حوا فرستاد و به آن دو فرمود: برای من خانه‌ای بسازید. جبرئیل برایشان نقشه کشید. آدم ﷺ حفر می‌کرد و حوا (خاک را) منتقل می‌کرد تا به آب رسید. از زیر آن ندا آمد: پس استای آدم! پس چون خانه را ساختند، خداوند به او وحی فرمود که برگرد آن طواف کند و به او گفته شد: تو اولین کسی و این اولین خانه است.

در این دیدگاه، ترتیب قبله سرزمین‌ها به این شکل است:

- از مصلاّی آدم ﷺ تا در کعبه
  - از در کعبه تا رکن عراقی
  - از رکن عراقی تا مصلاّی پیامبر ﷺ
  - از مصلاّی پیامبر ﷺ تا رکن یمانی
  - از رکن یمانی تا در مسدود شده پشت خانه کعبه
  - از در مسدود شده تا هفت ذراع مانده به رکن غربی
  - از هفت ذراع مانده به رکن غربی تا خود رکن
  - از رکن غربی تا ناودان کعبه
  - محاذات ناودان کعبه
  - از امتداد ناودان تا رکن شامی
  - از رکن شامی تا مصلاّی آدم ﷺ
- روشن است که ابن سراقه اجزای خانه را در ترتیبی، به خلاف جهت طواف نام برده است و در این سیر، رکن عراقی پیش از یمانی و رکن شامی پس از میزاب قرار گرفته است.

بنابراین، رکن عراقی در نظر او رکن اسود است و رکن دوم شامی خوانده می‌شود و رکن سوم نامی بجز غربی ندارد.

## ۵- مصلاى آدم عليه السلام

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، یکی از بناهای خانه کعبه، در زمان حضرت آدم عليه السلام بوده است. روایات اهل سنت داستان ساختن خانه و دستور طواف پیرامون آن را با تفصیل بیشتری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند:

«خداوند جبرئیل را نزد آدم عليه السلام و حوا فرستاد و به آن دو فرمود: برای من خانه‌ای بسازید. جبرئیل برایشان نقشه کشید. آدم عليه السلام حفر می‌کرد و حوا (خاک را) منتقل می‌کرد تا به آب رسید. از زیر آن ندا آمد: بس است ای آدم! پس چون خانه را ساختند، خداوند به او وحی فرمود که برگرد آن طواف کند و به او گفته شد: تو اولین کسی و این اولین خانه است.»<sup>۱۹</sup>

محلّی که آدم عليه السلام پس از طواف در آن نماز گزارد، مصلاى آدم عليه السلام نامیده می‌شود. بنا بر آنچه در بخش پیشین مقاله، از پدر ابن جماعه در دایره قبله نقل شد، مصلاى آدم عليه السلام میان در کعبه و رکن شامی (رکن دوم) واقع است. از ترتیب قبله کشورهای در دیدگاه ابن سراقه نیز همین معنا برداشت می‌شود. فاسی نیز در تصریح به این اعتقاد، رکن شامی را در سمت در کعبه و منطبق بر رکن دوم طواف می‌داند:

«و وقع فیما ذكره ابن جماعه و ابن سراقه ما يقتضي أن مصلى آدم عليه السلام في جهة الكعبة الشرقية فيما بين بابها و الركن الشامي الذي يلي الحجر بسكون الجيم».<sup>۲۰</sup>

در جایی دیگر، ابن سراقه مصلاى آدم عليه السلام را با موضع خلوق کعبه، محل قبلی مقام ابراهیم عليه السلام و مصلاى پیامبر صلی الله علیه و آله منطبق می‌داند و فاصله این نقطه از در کعبه و رکن شامی را گزارش می‌کند و با این بیان، رکن شامی را بر رکن دوم اطلاق کرده است:

«و في كلام ابن سراقه ما يقتضي زيادة بيان في ذلك؛ لأنه قال في أوائل كتابه المذكور: و من الباب - یعنی باب الكعبة - إلى مصلى آدم عليه السلام حين فرغ من طوافه و





انزل الله - عز و جل - عليه التوبة و هي موضع الخلق من ازر الكعبة: أرجح من تسعة أذرع، و هناك موضع مقام إبراهيم عليه السلام و صَلَّى النبي صلى الله عليه وآله عنده حين فرغ من طوافه ركعتين، ثم قال ابن سراقه: و بين موضع الخلق و هي مصلّى آدم عليه السلام و بين الركن الشامي: ثمانية أذرع.... انتهى»<sup>۲۱</sup>.

در بیان اندازه گیری خود نیز، فاسی رکن دوم را شامی می خواند:

« [و قد تحرّر لي ممّا ذكره ابن سراقه في] ذرع ما بين الركن الشامي و مصلّى آدم عليه السلام أن يكون مصلّى آدم عليه السلام ظناً بقرب الحفرة المرخمة التي في وجه الكعبة.... و كان تحريري لذلك مع من يعتمد عليه من أصحابنا في شهر ربيع الأول، سنة ست عشرة و ثمانمائة بعد ان اعتبرنا ما ذكره ابن سراقه في ذلك، فوافق لأننا ذرعنا مقدار ثمانية أذرع [بالبديد] و وضعنا عند طرف ركن الكعبة الشامي و مددناه إلى حيث انتها من جدار الكعبة ثمّ ذرعنا ذلك بذراع الحديد فجاء سبعة أذرع - بتقديم السين - و ثمن ذراع بالحديد، فعرّفنا بذلك أن موضع منتهى الثمانية أذرع بالبديد أو السبعة - بتقديم السين - و الثمن بالحديد موضع مصلّى آدم عليه السلام ظناً و هو الموضع الذي أشرنا إليه، و الله أعلم»<sup>۲۲</sup>.

#### ۶- مصلاى پیامبر صلى الله عليه وآله

در ضمن مطالب قبل، از دو مکان به عنوان مصلاى پیامبر صلى الله عليه وآله یاد شد:

نخست: میان رکن یمانی و رکن اسود.

ابن سراقه در مباحث قبله سرزمین‌های دیگر، مصلاى پیامبر صلى الله عليه وآله را در فاصله دو رکن مذکور شناسانده و فاسی نیز بر این نظریه او تأکید می‌کند:

«و وقع فيما ذكره ابن جماعة و ابن سراقه ما يقتضي أنّ مصلّى آدم عليه السلام في جهة الكعبة الشرقية فيما بين بابها و الركن الشامي الذي يلي الحجر بسكون الجيم و أنّ مصلّى النبي صلى الله عليه وآله فيما بين الركن اليماني و الحجر الأسود»<sup>۲۳</sup>.

علاوه بر آن، ابن سراقه در بیان ابعاد کعبه نیز به این نکته تصریح می‌کند و همانجا رکن

اسود را عراقی می خوانند:

«و قال ابن سراقه في بيان مصلى النبي ﷺ بين الركن اليماني والحجر الأسود: و عرض جدارها - يعنى الكعبة - الَّذِي يلي اليمن و هو فيما بين الركن اليماني و الركن العراقي الَّذِي فيه الحجر الأسود: عشرون ذراعاً و إلى وسط هذا الجدار كان مصلى النبي ﷺ قبل هجرته إلى المدينة انتهى».<sup>۲۴</sup>

دوم: میان در کعبه و رکن دوم طواف.

ابن سراقه - چنانکه گذشت - مصلائی پیامبر ﷺ را با مصلائی آدم ﷺ، محل خلوق کعبه و جایگاه قبلی مقام ابراهیم ﷺ یکی می داند و در همین مقام، رکن دوم را شامی می خوانند:

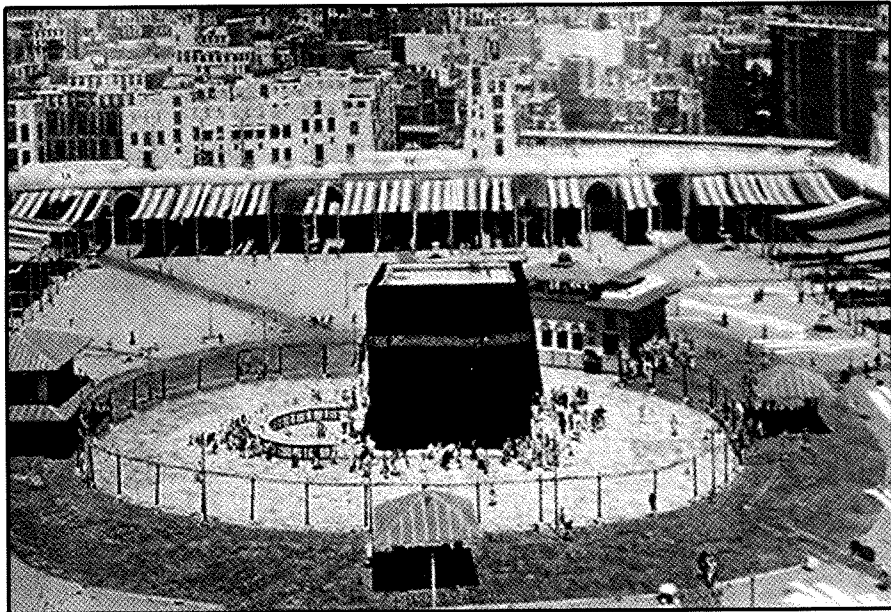
«نص ما ذكره ابن سراقه: و من الباب - يعنى باب البيت - إلى مصلى آدم ﷺ حين فرغ من طوافه و أنزل الله عليه التوبة و هو موضع الخلق من ازار الكعبة: أرجح من تسعة أذرع، و هناك كان موضع مقام إبراهيم ﷺ و صلى النبي ﷺ عنده حين فرغ من طوافه ركعتين، و أنزل الله عليه: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...﴾<sup>۲۵</sup> ثم نقله ﷺ إلى الموضع الَّذِي هو فيه الآن... و بين موضع الخلق - و هو مصلى آدم ﷺ - و بين الركن الشامي: ثمانية أذرع... انتهى».<sup>۲۶</sup>

اگر به این نکته توجه کنیم که سه شهر مکه، مدینه و بیت المقدس بر روی یک خط مستقیم قرار دارند و مدینه در میان این دو شهر جا گرفته است، روشن خواهد شد که با تغییر قبله از بیت المقدس به سمت کعبه، مسلمانان مدینه باگردشی ۱۸۰ درجه‌ای روبه‌رو شدند؛ لذا برای استقبال کعبه کافی بود که بیت المقدس را در پشت سر قرار دهند که مسجد قبلتین یادآور مجسم چنین تغییری است. از سوی دیگر، همچنان که در مبحث قبله سرزمین‌های دیگر گذشت؛ مردم مدینه رو به سوی ناودان خانه کعبه دارند. حدیث معروف نبوی ﷺ نیز این نکته را تأیید می‌کند که:

«محرابي على الميزاب».<sup>۲۷</sup>



پس هنگامی که پیامبر ﷺ، پیش از هجرت، مکلف بودند رو به بیت المقدس بایستند، با قرار گرفتن در میان دو رکن یمانی و اسود، در مقابل میزاب و به تبع، در جهت بیت المقدس به نماز می ایستادند؛ یعنی هم کعبه و هم بیت المقدس را، همزمان استقبال می نمودند. روشن است که هرگاه پیامبر ﷺ در آن سمت کعبه جای نمی گرفتند، امکان چنین تصادقی از بین می رفت، ولی نکته مهم آن است که در کتب تاریخ مکه، تنها از این نقطه به عنوان «مصلاهی پیش از هجرت» یاد شده است.



در باره جایگاه نماز پس از هجرت، اختلاف نظریه‌هایی به چشم می خورد. محب طبری در کتاب خویش، مجموع مصلاهای پیامبر ﷺ را تا ده مکان شناسایی کرده است.<sup>۲۸</sup> فاسی نیز تمام سخن او را نقل کرده و به تفصیل مورد ارزیابی قرار می دهد.<sup>۲۹</sup> اما در این میان تنها یک

مورد است که با بحث اسامی ارکان پیوند می خورد.

احمد بن حنبل روایتی را از عبد الله بن سائب نقل کرده است:

«حدّثني عبد الله بن السائب أنّ عبد الله بن السائب كان يقود أن<sup>۳۰</sup> عبد الله بن عباس و يقيمه عند الشقة الثالثة ممّا يلي الباب ممّا يلي الحجر فقلت - يعنى القائل ابن عباس لعبد الله بن السائب - أنّ رسول الله ﷺ كان يقوم هيهنا أو يصلى هيهنا؟ فيقول: نعم، فيقوم ابن عباس فيصلّى»<sup>۳۱</sup>.

محبّ طبری این روایت را دلیل نماز خواندن پیامبر ﷺ در کنار رکن شامی از جانب حجر اسماعیل عليه السلام می شمارد.

«الثالث: قريباً من الركن الشامي ممّا يلي الحجر، عن عبد الله بن السائب أنّه كان يقود ابن عباس فيقيمه عند الشقة الثالثة، ممّا يلي الركن الذي يلي الحجر، ممّا يلي الباب، فيقول له ابن عباس: انبت أنّ رسول الله ﷺ كان يصلى هيهنا؟ فيقول: نعم فيقوم فيصلّى أخرجه أحمد و أبو داود»<sup>۳۲</sup>.

از سوی دیگر ازرقی روایت نماز پیامبر ﷺ را از ابن سائب به شکلی متفاوت نقل می نماید:

«عن ابن السائب أنّ النبي ﷺ صلى يوم الفتح في وجه الكعبة حذو الطريقة<sup>۳۳</sup> البيضاء ثم رفع يديه فقال هذه القبلة»<sup>۳۴</sup>.

به اتفاق تمام مورّخان، وجه کعبه به در و یا دیوار شاملی در اطلاق می شود:

«قال المحبّ الطبري: وجه الكعبة يطلق على بابها، ولهذا قيل للمحاذي له خلفها: دبر الكعبة، ثمّ قال: و يطلق على جميع الجانب الذي فيه الباب، و هو المتعارف»<sup>۳۵</sup>.

بنابراین، فاسی با ادعای اتحاد این دو روایت، رکن شامی را در مجاورت در خانه کعبه و منطبق بر رکن دوم می شمارد و تفاوت را ناشی از این می داند که در نقل ازرقی «الشقة الثالثة» به



«الطرفة البيضاء» تفسیر شده است:

«و إنما لا يقال الحديث الَّذِي استدل به المحبّ غير الحديث الَّذِي ذكره الأزرقی؛ لأنّ الحديث الَّذِي ذكره المحبّ يقتضي أن ابن عباس - رضي الله عنهما - سأل ابن السائب عن موضع مصلى النبي ﷺ في وجه الكعبة، و الحديث الَّذِي ذكره الأزرقی يقتضي أخبار ابن السائب بأنّ النَّبِيَّ ﷺ صَلَّى يوم فتح مكة في وجه الكعبة، وإنه رفع يديه، و قال: «هذه القبلة»، و بين المصلى بقوله: «عند الطواف»<sup>۳۶</sup>، و ذلك لا ينافي اثباته صلاة النَّبِيِّ ﷺ عند الشقّة الثالثة مقابلة الركن الشامي، لإمكان أن يكون موضع النظر فيه موضع الشقّة الثالثة، فعرفه بالوجهين، و اختصر أخباره ابن عباس [رضي الله عنه] بعض القصة، و الله اعلم»<sup>۳۷</sup>.

سپس فاسی در تأیید سخنان خود، کلامی را به این عبارت از مفتی حرم نقل می‌کند:

«أخبرني الشيخ عثمان بن عبد الواحد العسقلاني المكي، عن بعض مشيخة مكة المتقدمين، أنّ المقام المحمّدي: الحجر المشورب الَّذِي عند الحفرة التي عند الكعبة على جانبها ممّا يلي حجر إسماعيل عليه السلام؛ و هو الحجر الَّذِي إلى جانب هذه الحفرة المذكورة، و الدعاء عنده مستجاب»<sup>۳۸</sup>.

اما چون میان حفره و رکن شامی، تنها یک موضع به عنوان مصلاّی پیامبر ﷺ معرفی شده، پس منظور محبّ طبری نیز همین نقطه خواهد بود.

«و الحفرة المشار إليها هي السابقة، و الحجر المشورب: الَّذِي هو علامة هذا المصلى لا يعرف الآن، و هو الموضع الثالث الَّذِي ذكره المحبّ؛ لأنّه ليس بين الحفرة المشار إليها و الركن الشامي مصلى للنبي ﷺ غير المصلى الثالث، و الله اعلم»<sup>۳۹</sup>.

و روشن است که مجدداً فاسی رکن شامی را بر رکن دوم اطلاق کرده است.

## ۷- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

فاسی در تبیین فاصله جایگاه فعلی مقام ابراهیم علیه السلام، ابتدا کلام ازرقی را با اختلافی ناچیز از آنچه در بخش پیشین به تفصیل بیان شد، ذکر کرده و همانجا نقل می‌کند که رکن شامی در جانب مقام و منطبق بر رکن دوم است:

«روينا عن الأزرقی بالسند المتقدم في تاريخه<sup>۴۰</sup> أنه قال: و ذرع ما بين الركن الأسود إلى مقام إبراهيم عليه السلام: تسعة و عشرون ذراعاً و تسعة أصابع، و ذرع ما بين جدار الكعبة من وسطها إلى المقام: سبع و عشرون ذراعاً، و ذرع ما بين شاذروان الكعبة إلى المقام: ستة و عشرون ذراعاً و نصف، و من الركن الشامي إلى المقام: ثمانية و عشرون ذراعاً و سبع<sup>۴۱</sup> عشرة اصبعاً... انتهى»<sup>۴۲</sup>.

او سپس اندازه گیری خود را از فاصله صندوقی که مقام در آن واقع بوده، تا ارکان کعبه، به دقت گزارش می‌کند و همچون ازرقی رکن شامی را در جانب مقام به شمار می‌آورد.

«و قد حرّنا بعض ما حرّره الأزرقی في هذا المعنى، فكان ما بين ركن الكعبة الذي فيه الحجر الأسود و بين الركن اليماني من أركان الصندوق الذي فيه المقام من داخل الشباك الذي فيه الصندوق: أربعة و عشرون ذراعاً إلا سدس ذراع... و كان ما بين ركن الكعبة الشامي الذي يلي الحجر - بسكون الجيم - و ركن الصندوق الشامي: ثلاثة و عشرون ذراعاً، و كان ممّا بين ركن الصندوق الشرقي إلى ركن البيت الذي فيه بئر زمزم المقابل له: خمسة عشر ذراعاً إلا ثلث ذراع، و كل ذلك بذراع الحديد المتقدم ذكره»<sup>۴۳</sup>.

اما در عنوان باب، رکن شامی را با قید «الذي يقال له العراقي» همراه می‌سازد.

«ذكر ذرع ما بين المقام و الحجر الأسود، و ما بين المقام و الركن الشامي الذي يقال له العراقي، و ما بين المقام و بين جدار الكعبة و شاذروانها المقابل للمقام، و ما بين المقام و حجرة زمزم و حرف بئر زمزم الطيبة المباركة»<sup>۴۴</sup>.



## ۸- ابعاد کعبه

فاسی بحث ابعاد کعبه را به تفصیل طرح کرده است. او به نقل آرای دیگران همت می‌گمارد و گزارش دقیقی از اندازه‌گیری‌های خود ارائه می‌کند. از این میان، مواردی که قرینه تعیین اسامی ارکان است، عبارت‌اند از:

الف: ابعاد کعبه در بنای ابراهیمی به گزارش ازرقی

فاسی متن گزارش ازرقی<sup>۴۵</sup> را نقل کرده و همانند او ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند.<sup>۴۶</sup>

ب: ابعاد کعبه در بنای عبد الملک مروان به گزارش ازرقی

در این بخش نیز متن اخبار مکه<sup>۴۷</sup> را با دقت یاد کرده که ارکان به همان اسامی نامیده شده‌اند.<sup>۴۸</sup>

ج - ابعاد داخلی کعبه به گزارش ازرقی

گرچه ترتیب و اسامی ارکان در نوشته ازرقی<sup>۴۹</sup> یکسان است، ولی آشفتگی متن نقل شده عبارت را با ابهامی روبه‌رو ساخته است که مراجعه به منبع برطرفش می‌سازد.

«ثُمَّ قَالَ الْأَزْرُقِيُّ: ... وَ ذَرَعَ دَاخِلَ الْكَعْبَةِ مِنْ وَجْهَيْهَا مِنَ الرُّكْنِ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ إِلَى الرُّكْنِ الشَّامِيِّ<sup>۵۰</sup> (إِلَى الرُّكْنِ الْغَرْبِيِّ وَ هُوَ الشَّقُّ الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ خَمْسَةَ عَشَرَ ذِرَاعاً وَ ثَمَانِي عَشْرَةَ أَصْبَعاً) وَ ذَرَعَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الشَّامِيِّ إِلَى الرُّكْنِ الْغَرْبِيِّ وَ هُوَ الشَّقُّ الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ خَمْسَةَ عَشَرَ ذِرَاعاً وَ ثَمَانِي عَشْرَةَ أَصْبَعاً، وَ ذَرَعَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْغَرْبِيِّ إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ - وَ هُوَ ظَهْرُ الْكَعْبَةِ -: عَشْرُونَ ذِرَاعاً وَ سِتَّةَ أَصْبَاعٍ، وَ ذَرَعَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ إِلَى الرُّكْنِ الْأَسْوَدِ: سِتَّةَ عَشَرَ ذِرَاعاً وَ سِتَّةَ أَصْبَاعٍ.»<sup>۵۱</sup>

د: ابعاد کعبه به گزارش ابن سراقه

ابن سراقه در کتاب دلائل القبلة، رکن اسود را عراقی می‌خواند و رکن شامی را در مجاورت آن می‌داند و فاصله آنها را ثبت می‌کند.

«و قد حرّر ذرع الكعبة الفقيه أبو عبد الله محمد بن سراقه العامري في كتابه «دلائل القبلة» لأنه قال... و عرض وجهها و هو الذي فيه بابها أربعة و عشرون ذراعاً و

عرض مؤخرها مثل ذلك و عرض جدارها الَّذِي يلي اليمن و هو فيما بين الركن اليماني و الركن العراقي و هو الَّذِي فيه الحجر الأسود عشرون ذراعاً ثم قال و عرض جدارها الَّذِي يلي الشام و هو الَّذِي بين الركن الشامي و الركن العراقي أحد و عشرون ذراعاً... انتهى».<sup>۵۲</sup>

ه: ابعاد كعبه از داخل و خارج به گزارش ابن جماعه فاسی اندازه‌های قاضی عز الدين ابن جماعه را، مانند آنچه از کتاب هدایة السالك<sup>۵۳</sup> نقل شد، به تفصیل گزارش می‌کند<sup>۵۴</sup> که در آن، نام رکن شامی باقید «و يقال له العراقي» همراه شده است. نامتعارف بودن این نامگذاری، فاسی را بر آن می‌دارد که هم به اختلاف مذکور اشاره کند و هم مؤیدهایی بر این کاربرد ارائه کند:

«و وقع فيما ذكره ابن جماعة تسمية الركن الشامي الَّذِي يلي وجه الكعبة بالعراقي و ذلك يخالف ما ذكره ابن سراقه في الركن العراقي و رأيت ما يدل لما ذكره ابن جماعة كما سيأتي ذكره [إن شاء الله تعالى] في الباب الخامس عشر من هذا الكتاب و ذكر ابن جبیر في غير موضع من رحلته ما يوافق ما ذكره ابن جماعة في ذلك و الله أعلم».<sup>۵۵</sup>

و: ابعاد كعبه به گزارش فاسی فاسی در روایتی مبسوط، گزارشی از اندازه‌گیری ابعاد مختلف كعبه از داخل و خارج می‌آورد. او تنها در یک بخش تعبیری دارد که در بحث جاری مؤثر است:

«طول جدارها الشرقي من أعلا الشاخص على سطحها إلى أرض المطاف ثلاثة و عشرون ذراعاً و ثمن ذراع و عرض هذا الجدار من الركن الَّذِي فيه الحجر الأسود إلى الركن الشامي - الَّذِي يقال له العراقي - أحد و عشرون ذراعاً و ثلث ذراع... و طول جدارها الشامي من أعلا الشاخص في سطحها إلى أرض الحجر ثلاثة و عشرون ذراعاً إلا ثمن ذراع و عرض هذا الجدار من الركن الشامي إلى الركن الغربي سبعة عشر ذراعاً - بتقديم السين - و نصف ذراع و ربع ذراع».<sup>۵۶</sup>





روشن است که او رکن شامی را رکن دوم می‌داند ولی مدعی است که گاهی این، رکن عراقی نیز نامیده می‌شود.

### ۹- حجر اسماعیل عليه السلام

فاسی در تبیین جایگاه حجر اسماعیل عليه السلام آن را در میان دو رکن شامی و غربی می‌داند ولی می‌گوید شامی را گاهی اوقات عراقی نیز می‌خوانند.

«وَأَمَّا مَوْضِعُ الْحَجَرِ فَهُوَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الشَّامِيِّ - الَّذِي يُقَالُ لَهُ الْعِرَاقِيُّ - وَ الرُّكْنِ الْغَرْبِيِّ».<sup>۵۷</sup>

### ۱۰- مطاف

مطاف فضایی به گرد کعبه است، که در هر جانب، هیچ نقطه آن بیش از مقام، از خانه فاصله ندارد. چنین تعریفی را فاسی نیز از فقهای اهل سنت نقل می‌کند.<sup>۵۸</sup> بنا بر نقل فاکهی، نخستین بار ابن زبیر مطاف را با باقی مانده سنگ‌های کف درون کعبه فرش کرد.<sup>۵۹</sup> در سال‌های بعد هم بارها به عمران مطاف پرداختند که آخرین آن‌ها، تا زمان فاسی به سال ۷۶۶ ه.ق. بازمی‌گردد.<sup>۶۰</sup> فاسی در ضمن گزارش اندازه‌گیری ابعاد مطاف، ارکان کعبه را به ترتیب: اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و شامی را با قید «الذی یقال له العراقی» همراه می‌سازد.

«و قد اعتبر بعض أصحابنا بحضوري مقدار ما بين منتهى ذلك و بين الكعبة المعظمة من جميع جوانبها، فكان مقدار ما بين الحجر الأسود و طرف البلاط المحاذي له... و ما بين الركن الشامية الذي يقال له العراقي و آخر تدوير المطاف المسامت له إلى الجهة الشرقية أربعة و عشرون ذراعاً و نصف، و من الركن الشامي إلى آخر البلاط المحاذي له في الجهة الشامي سبعة و ثلاثون ذراعاً و ربع ذراع... و ما بين الركن الغربي و آخر البلاط المحاذي له... و ما بين الركن اليماني و آخر البلاط المقابل له... و الذراع المحرر به هو الذراع الحديد المتقدم ذكره».<sup>۶۱</sup>

## ۱۱- اماکن استجابت دعا در مسجد الحرام

فاسی همانگونه که در بحث ابعاد کعبه وعده داده، در بحث مواضع استجابت دعا در مسجد الحرام روایتی را از ابو سهیل انصاری نقل می‌کند که در آن، اسامی ارکان عبارت‌اند از: اسود، عراقی، شامی و یمانی.

«و رأیت فی جزء مترجم بالثانی من «فضائل مکة» للجندی... عن ابي سهیل النیسابوری أنّ مواضع التي یرجى استجابة الدعاء فی مسجد الحرام خمسة عشر موضعاً، و عد منها أربعة عشر: باب بنی شیبة، و باب ابراهیم عليه السلام، و باب النبی صلى الله عليه وسلم، و باب الصفا، و زمزم، و المقام، و الرکن الأسود، و الملتزم، و مجاور منبر، حیث یقف المحمدون، و عند الرکن العراقی، و تحت المیزاب، و الرکن الشامی، و مابین الرکن الشامی و الیمانی - و هو المستجار - و عند الرکن الیمانی».<sup>۶۲</sup>

### دست‌آورد بررسی‌ها

چنانکه در مباحث قبل دانسته شد، گاهی اسامی ارکان با قرائنی به کار می‌روند که می‌تواند روشنگر مقصود باشد. اگر توزیع فراوانی کاربرد دو اصطلاح «رکن عراقی» و «رکن شامی» را در کتاب شفاء الغرام بررسی کنیم، به نتایج قابل توجهی دست می‌یابیم:

نام مؤلف	رکن عراقی		رکن عراقی = رکن ۲		رکن عراقی = رکن ۱		مجموع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
جندی	-	-	۱	۱۰۰	-	-	۱۰۰
عزالدین ابن جماعه	-	-	-	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ابن سراقه	۳	۱۰۰	-	-	-	-	۳
تقی الدین فاسی	-	-	-	-	۴	۱۰۰	۴
مجموع	۳	۳۳	۱	۵۵	۵	۳۳	۹

جدول شماره ۱ - توزیع فراوانی کاربرد اصطلاح «رکن عراقی» در کتاب شفاء الغرام

مجموع		رکن عراقی = رکن ۲		رکن عراقی = رکن ۲ الشامی يقال له العراقي		رکن عراقی = رکن ۱		نام مؤلف	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	نام	
۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	-	-	-	-	جندی	
۱۰۰	۵	-	-	-	-	۱۰۰	۵	ابو الولید ازرقی	
۱۰۰	۲	-	-	-	-	۱۰۰	۲	پدر ابن جماعه	
۱۰۰	۱	-	-	۱۰۰	۱	-	-	عزالدین ابن جماعه	
۱۰۰	۳	-	-	-	-	۱۰۰	۳	ابن سراقه	
۱۰۰	۲	-	-	-	-	۱۰۰	۲	محب طبری	
۱۰۰	۱۳	-	-	۳۱	۴	۶۹	۹	تقی الدین فاسی	
۱۰۰	۲۷	۴	۱	۱۸	۵	۷۸	۲۱	مجموع	

جدول شماره ۲ - توزیع فراوانی کاربرد اصطلاح «رکن شامی» در کتاب شفاء الغرام

برخی از این نکات عبارت‌اند از:

- مقایسه آنچه که فاسی از گذشتگان نقل کرده، با کتاب‌های برجای مانده از ایشان، ما را به دقت او در نقل مطمئن می‌سازد؛ حتی به گونه‌ای که از جدول‌های فوق مشخص است، او اعتقاد خود به نامی از نام‌ها را به سخن دیگران تحمیل نمی‌کند. پس باید پذیرفت که در نقل کتاب‌های مفقود هم، رعایت امانت را نموده است.

- در اطلاق نام شامی بر رکن دوم طواف، اختلافی میان تاریخ‌نگاران مکه مشاهده

نمی‌شود.

- نامگذاری رکن دوم به رکن عراقی، با توجه به استفاده از صیغه مجهول (يقال له

العراقي)، به نظر می‌رسد در زمان تألیف کتاب، امری متداول و مرسوم نبوده است و شاید از همین روست که فاسی در تبیین صحت این کاربرد، به سوابقی تمسک می‌کند. حتی کسانی مانند فاسی نیز که نام عراقی را به رکن دوم اطلاق کرده‌اند، این قید را توضیحی دانسته و در بیشتر موارد (۶۹٪) خود را از آن بی‌نیاز دیده‌اند.

- چنان‌که از آرای مذکور روشن است، هیچ تلازمی میان شامی نامیدن رکن سوم و

عراقی دانستن رکن دوم وجود ندارد. یعنی؛ در اسامی ارکان با دو اختلاف مستقل روبه‌رو می‌شویم: تعیین مصداق رکن‌های عراقی و شامی. هرچند در زمان حاضر قول مشهور زمان تألیف کتاب (انطباق رکن‌های شامی و عراقی) متروک به نظر می‌رسد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. محمدبن احمد فاسی مکی، العقد الثمین، تصحیح محمد حامد الفقی، هشت جلد، چاپ دوم، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۶ ه.ق. ج ۱، ص ۹
۲. همان، صص ۳۴۲ - ۳۴۱
۳. همان، ص ۳۴۲
۴. همان، ص ۲۷
۵. همو، شفاء الغرام، تصحیح مصطفی محمد الذهبی و ایمن فؤاد سید، دو جلد، چاپ دوم، النهضة الحدیثه، مکه، ۱۹۹۹ م، ج ۱، ص ۳۹۱
۶. همان، ص ۱۸۶
۷. همان، صص ۲۰۵ و ۲۰۶
۸. محمدبن احمدبن جبیر، رحلة ابن جبیر، دار و مكتبة الهلال، بیروت، صص ۷۱ - ۷۰
۹. محمدبن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۶۲ - ۴۶۱
۱۰. محمد بن احمد بن جبیر، رحلة ابن جبیر، صص ۷۱ - ۷۰
۱۱. محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۶۳
۱۲. ابو الولید ازرقی، اخبار مکه، تصحیح رشدی‌الصالح ملحس، دو جلد، دارالاندلس، بیروت، ۱۴۱۶ ه. ج ۲، ص ۶۶
۱۳. محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۷۶
۱۴. همان، ص ۳۷۴
۱۵. همان، ص ۳۷۷
۱۶. محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ص ۱۵۱
۱۷. محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۲۵۱ - ۱۲۵۰
۱۸. همان، صص ۲۵۷ - ۲۵۳
۱۹. محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، صص ۱۰۹ - ۱۰۷
۲۰. محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۵۷
۲۱. همان، صص ۲۵۸ - ۲۵۷ و ۳۹۵ - ۳۹۴ با تفاوتی ناچیز.
۲۲. همان، صص ۲۵۹ - ۲۵۸
۲۳. همان، ص ۲۵۷



- ۲۴ . همان، ص ۲۵۸
- ۲۵ . سوره البقرة، آیه: ۱۲۵
- ۲۶ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۳۹۵ - ۳۹۴
- ۲۷ . علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، صدوده جلد، دارالکتب الاسلامیه والمکتبه الاسلامیه، ج ۱۰۰، ص ۴۳۳
- ۲۸ . احمد بن عبد الله محب الدین طبری، القرى لقاصد امّ القرى، تصحیح مصطفی سقاء، چاپ سوم، دار الفکر، ۱۴۰۳ ه.ق. صص ۳۵۲ - ۳۴۸
- ۲۹ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۲۳ - ۴۱۵
- ۳۰ . ظاهراً کلمه ان زائد است.
- ۳۱ . احمد بن حنبل، المسند، تصحیح حمزه احمد الزین، بیست جلد، چاپ اول، دار الحدیث، قاهره، ۱۴۱۶ ق. ج ۱۲، ص ۱۵۷
- ۳۲ . احمد بن عبد الله محب الدین طبری، القرى لقاصد امّ القرى، ص ۳۴۸
- ۳۳ . ظاهراً به قرینه نقل شفاء الغرام «الطرفة» صحیح است.
- ۳۴ . ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۵۱
- ۳۵ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۱۶
- ۳۶ . ظاهراً باید طبق اصل روایت «الطرفة» صحیح باشد.
- ۳۷ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۲۲ - ۴۲۱
- ۳۸ . همان، ص ۴۲۲
- ۳۹ . همان جا، ص ۴۲۲
- ۴۰ . ابو الولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۵
- ۴۱ - در اخبار مکه «تسع» آمده است.
- ۴۲ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۹۰
- ۴۳ . همان، ص ۳۹۱
- ۴۴ . همان، ص ۳۹۰
- ۴۵ . ابو الولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۶۴
- ۴۶ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۸۹ - ۱۷۸
- ۴۷ . ابو الولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۸۹
- ۴۸ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۸
- ۴۹ . ابو الولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۹۱
- ۵۰ . عبارت ذیل از متن ساقط شده است:  
و فيه باب الكعبة تسعة عشر ذراعاً و عشر اصابع  
و عبارت داخل پیرانتز مکرر است.
- ۵۱ . محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۹
- ۵۲ . همان، صص ۲۱۰ - ۲۰۹

- ٥٣ . عز الدين بن جماعة كناني، هداية السالك، تصحيح نورالدين عتر، سه جلد، چاپ اول، دار البشائر الاسلاميه، بيروت، ١٤١٤ هـ.ق. ج ٣، صص ١٣٣٤- ١٣٣٥
- ٥٤ . محمد بن احمد فاسي مكي، شفاء الغرام، ج ١، ص ٢١١
- ٥٥ . همان، ص ٢١٢
- ٥٦ . همان، ص ٢١٤
- ٥٧ . همان، ص ٤٠٧
- ٥٨ . همان، ص ٥٨٧
- ٥٩ . محمد بن اسحاق فاكهي، اخبار مکه، تصحيح عبد الملك بن عبدالله بن دهيش، شش جلد، چاپ اول، النهضة الحديثه، مکه، ١٤٠٧ هـ.ق. ج ١ ص ٣٣١
- ٦٠ . محمد بن احمد فاسي مكي، شفاء الغرام، ج ١، ص ٥٨٧
- ٦١ . همان، صص ٥٨٨- ٥٨٩
- ٦٢ . همان، صص ٣٨٢- ٣٨٣